



هیرمند در گم‌اند سیاست

سیستان، اسیرِ سراب

سرگذشت هیرمند و تأثیر آن
بر سرنوشت و توسعه‌ی سیستان

تألیف: دکتر ناصر زورقی

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ

نمایشگاه و فروشگاه دائمی آثار نشر پرنیان‌اندیش
هر کجای جهان هستید می‌توانید با مراجعه به نشانی اینترنتی زیر، نسخه‌ی قانونی آثار مورد نظر خود را
خریداری نمایید:
parnianandish.com

توفیق در کسب دانش، آگاهی و موفقیت پایدار، از مسیر درستی و صداقت می‌گذرد. هرگونه مطالعه و
بهره‌برداری از آثار نشر پرنیان‌اندیش تنها با ذکر منبع و فقط برای خریدار و خانواده‌ی او یعنی والدین،
خواهر، برادر، فرزندان و همسر وی مجاز می‌باشد. خریدار کسی است که بهای اثر مورد نظر خویش را
از طریق فروشگاه اینترنتی

به نشانی parnianandish.com پرداخت می‌نماید.

در صورتی که آثار به هر طریق دیگر به دست شخص برسد، می‌بایست نسخه‌ی قانونی را با پرداخت
بهای آن از طریق نشانی فوق خریداری نماید. بدین ترتیب، امکان خدمت هر چه بیشتر در راه اعتلای
فرهنگ ایران‌زمین و ادامه‌ی خلق آثار ارزشمند دیگری که هریک نیازمند تلاش فراوان و صرف زمان و
هزینه‌های بسیار زیاد است، فراهم می‌گردد.

این اثر تحت حمایت قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ قرار داشته
و بر اساس ماده‌ی ۲۳ این قانون، هر کس بدون اجازه‌ی کتبی تمام یا قسمتی از اثر را به نام خود،
یا به نام پدیدآورنده و یا به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده مورد نشر یا پخش یا عرضه قرار
دهد، به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد.

کلیه‌ی حقوق این اثر به نشر پرنیان‌اندیش تعلق دارد.
هرگونه تخلف از سوی واحد حقوقی انتشارات مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

parnianandish.com

رسالت نشر پرنیان‌اندیش، پرورش فکر و رشد انسان‌هاست



هیرمند، در گمّند سیاست

سیستان اسیرِ سراب!

(سرگذشت هیرمند و تأثیر آن بر سرنوشت و توسعه ی سیستان)

مؤلف: دکتر ناصر زورقی



نشر پرنیان اندیش

parnianandish.com

هیرمند، در گمّند سیاست سیستان اسیرِ سراب!
(سرگذشت هیرمند و تأثیر آن بر سرنوشت و توسعه ی سیستان)

مؤلف: دکتر ناصر زورقی

طراح صفحات: عصمت گلزار

طراح جلد و امور فنی تولید: مهندس سپهر انصاری

تعداد صفحات: ۳۸۸

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۳۹-۳۱-۴

سرشناسه: زورقی، ناصر، ۱۳۴۲ -

عنوان و نام پدیدآور:

هیرمند در کمند سیاست: سیستان اسیر سراب

(سرگذشت هیرمند و تأثیر آن بر سرنوشت و توسعه‌ی سیستان)

مؤلف ناصر زورقی.

مشخصات نشر: تهران: پرریان اندیش

مشخصات ظاهری: ۳۸۸ ص.: مصور(رنگی)، جدول، نمودار .

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۳۹-۳۱-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: خشکسالی -- ایران -- سیستان

Droughts -- Iran -- Sistan: موضوع

موضوع: هیرمند

Hirmand (Iran): موضوع

موضوع: سیستان -- تاریخ

Sistan (Iran and Afghanistan) -- History: موضوع

رده بندی کنگره: ۹۷۷ / DSR۲۰۹۵

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۷۴۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۳۴۹۳۲

تقدیم:

- به مردم شریف، ودوست داشتني ايران بزرگ و زادگاهم سيستان - به همراه آرزوی شوکت رویایی دیارشان؛

- به روح شاد وتابناک والدین عزیزم که معتبرشدم اینک از اعتبارشان؛

- به همسر مهربان و سه گلِ باغِ زندگیم نسترن و نرگس و نیلوفر [و دو عزیز دیگرم زهیر و مسعود] که ضمانت کند سلامتشان کردگارشان؛

- به برادرعزیزم حاج محمدعلی و خواهران گلم که خداوند حفظ کند خودشان، همسر و ایل و تبارشان؛

- به ۳۶۰۰۰ همکار فرهنگی سیستانی و بلوچم از کنگ تا تلنگ و فنوج تا هیدوج که ایزد بخشنده یارشان!

- به معلمان فرهیخته ام از ابتدا تا انتها که چه دلنواز بود شمیم نسیم کنارشان:

*** ابتدایی پلگی علیا: مرحوم محمدعلی جامی - حاج موسی فیروزی - محبعلی آژیر - توران موحد قدسی نیا - محمدعلی کشتبان و به ویژه غلامرضا جعفری عزیز؛

*** راهنمایی خیام جزینک: دبیران عزیز شادروان عبدالعزیز خوشدلی - مهرآور و محمدرضا ترابی - احمد ناروئی - احمد سردشتی - محمد میردشتی - محمدرضا ناصری - محمد نیک منش - حسن سراوانی - علی زینلی مقدم - علی خزاعی - علی اصغر قدس و محمد نورقاسمی

*** دبیرستان شریعتی (شهید کیخا) زابل: آقایان دکترمحمدرضا شهرکی - مرحوم دکترعباسعلی نورا - علی اکبر کیخا، و مرحوم ذخیره داری (فیزیک) - عباسعلی ریگی - جلالی و ذخیره داری (جبر و آنالیز) - فاطمی و حقیقی (شیمی) - پرویز شهری ادبیات فارسی و ابراهیم سندگل.

*** تربیت معلم شهید مطهری زاهدان: اساتید آقایان محمدمالکی - محمدرضا رخفروز - ابراهیم نصرت پناه - علی بردبار جهانتیغ - طحانی - محمدعمرانی - دکتر سموری - کیخایی - و شادروان نورالهدی

*** دانشگاه مشهد لیسانس اول: دکتر خویی نژاد - دکتر دانشوری - دکتر شفیع آبادی - آقای منیری

*** دانشگاه سیستان و بلوچستان لیسانس دوم: دکتر بندریان (جغرافیا) دکتر پور کرمانی (جغرافیا) دکتر بیک محمدی (جغرافیا)، دکتر کمالیان - دکتر رقیبی - دکتر ملکی - شادروان دکتر شریف - دکتر تابان - خانم دکتر عارفی - آقایان فروغی و سیرجانی (مدیریت و برنامه ریزی آموزشی)

*** مرکز مدیریت دولتی فوق لیسانس اول: دکتر اورعی یزدانی - دکتر شریف - دکتر برزویی -

*** پیام نور مرکز تهران فوق لیسانس دوم: دکتر محمدی - دکتر بیهقی - دکتر باطنی *** آکادمی تحصیلات تاجیکستان دکترای اول: شادروان پروفیسور خالمراد بویزاق اف *** و علوم و تحقیقات تهران دکترای دوم: دکتر نادری - دکتر سیف نراقی دکتر مهدی زاده - دکتر ضرغامی

درآمد ناشر.....	۱۳
درباره ی مؤلف	۱۵
چرا به تألیف این کتاب پرداختم؟	۱۷
چکیده	۲۱

فصل اول: مختصری از تاریخ و ویژگی های سیستان

عجایب اساطیری سیستان	۳۲
احداث بنای سیستان	۳۴
بارزترین ویژگی سیستان	۳۹
وجه تسمیه ی سیستان	۴۴
سیستان در عهد باستان	۵۲
سیستان در دوره ی ساسانیان	۵۵
فتح سیستان به دست اعراب (تغییر دین مردم سیستان از زرتشتی به اسلام)	۵۵
سیستان در دوره ی طاهریان و صفاریان	۵۷
تاراج سیستان و شروع روزگار بدبختی	۶۳
سیستان مهره ی مهم شطرنج هند و انگلیس	۷۰
سیستان معاصر (قاجار و پهلوی)	۷۰
جنبش مردمی ۱۹ بهمن سیستان	۷۷

فصل دوم: هیرمند؛ تاریخچه ی رژیم حقوقی و ورود سیاست به آن

هیرمند، وجه تسمیه مختصات حوضه ی آبریز و میزان آبدهی	۸۹
هیرمند، مرزآبی متغیروچالش ساز	۱۰۰
تاریخچه ی مذاکرات و منازعات ایران و افغانستان بر سر رود هیرمند.....	۱۰۲
دوره ی اول به مدت ۶۴ سال (۱۲۳۶-۱۳۰۰شمسی)	۱۰۲
رأی حکمیت گلداسمید	۱۰۴

۱۰۷.....	اعتراض به حکمیت گلداسمید
۱۱۲.....	قرارد حکمیت مک ماهون
۱۱۹.....	دوره ی دوم به مدت ۵۷ سال (۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ شمسی)
.....	قانون تصویب قرارداد تقسیم آب رود هیرمند- مصوب ۱۸ اردیبهشت ۱۳۱۸ مجلس شورای ملی
۱۳۷.....	قرارداد سال ۱۳۱۸ تقسیم آب رود هیرمند بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی افغانستان
۱۴۲.....	اعلامیه ملحق به قرارداد تقسیم آب هیرمند مورخ ۱۳۱۸ شمسی
۱۴۴.....	شروع فصل جدید منازعات آبی دو کشور باغافلگیری ایران و احداث نه‌رهای بغرا و سراج
۱۴۵.....	تحصن تأثیرگذار سال ۱۳۲۶ مردم سیستان
.....	سؤال آقایان منصف و دهقان نمایندگان قائنات و خلخال و جواب آقای وزیر کشاورزی راجع به آب هیرمند در سال ۱۳۲۶
۱۴۷.....	شکایت به شورای امنیت
۱۵۶.....	مأموریت خاص سفیر برای بازدید از نه‌رهای بغرا و سراج و سدهای جدید الاحداث ارغنداب و کجکی
۱۶۰.....	ورود دوباره ی مجلس مشروطه به مساله ی هیرمند
۱۶۷.....	تصویب معاهده سال ۱۳۵۱ آخرین سند رسمی درباره ی آب هیرمند در مجلس
۱۷۹.....	متن معاهده بین ایران و افغانستان راجع به آب رود هیرمند (هلمند)
۱۸۰.....	پروتوکول شماره ۳ درباره حکمیت (ضمیمه معاهده ایران و افغانستان راجع به آب رود هیرمند)
۱۸۷.....	دوره ی سوم به مدت ۴۰ سال (۱۳۵۷-۱۳۹۶)
۱۹۰.....	

فصل سوم: توسعه ی سیستان و پارادکس های سه گانه (آب، زمین، نیروی انسانی)

۱۹۷.....	الف) پارادکس آب- میزان بارندگی
۲۰۱.....	وضعیت آب های زیرزمینی
۲۰۳.....	سد های افغانستان و اخلال در مدیریت آب سیستان
۲۱۵.....	هیرمند در کمند سیاست
۲۱۹.....	آب به مثابه ابزار سیاسی؟
۲۲۲.....	کنترل رفتار سیاسی ایران توسط افاغنه؛ آب در برابر نفت؟

۲۲۳	مالکیت آب سیستان در پنجاق بیگانه
۲۲۶	افغان های متخصص آب چه می گویند؟
۲۳۸	پاسخ دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان به پوهنمل (دانشیار) دانشگاه کابل
۲۰۴	اکنون چه باید کرد؟
۲۴۴	قول و قرار سیل و خشکسالی بر انهدام سیستان
۲۴۷	نوسان جریان آب و راندمان پایین آبیاری
۲۴۸	راندمان پایین آبیاری
۲۵۰	طرح ۴۶ هزار هکتاری انتقال آب به دشت سیستان
۲۵۸	چشم انداز کلی طرح
۲۶۲	ب) پارادکس اراضی و توسعه ی سیستان
۲۶۶	ج) پارادکس نیروی انسانی

فصل چهارم: معمای رسوبگذاری هیرمند

۲۷۵	حقایق جالب از هیرمند
۲۷۹	تئوری نشست تدریجی بستر سیستان
۲۸۲	رد نظریه نشست تدریجی بستر سیستان
۲۸۵	نقد تئوری مخالفان نشست تدریجی زمین سیستان

فصل پنجم: تغییر مسیر هیرمند (و تأثیر آن بر حلول و افول تمدن های باستانی سیستان)

۳۰۴	تأثیر هیرمند بر سکونتگاه های تاریخی سیستان
۳۱۰	هیرمند و ظهور و افول شهر سوخته و دهانه ی غلامان

فصل ششم: خسارات خشکسالی بیست ساله ی اخیر سیستان

۳۲۱	الف) خسارات مادی
۳۲۴	ب) خسارت های معنوی
۳۲۴	مرگ اکوسیستم هامون
۳۴۹	منابع
۳۵۹	پیوست ها

آب را گل نکنیم؛
شاید این آب روان،
می رود پای سپیداری تا فروشید اندوه دلی.
دست درویشی شاید،
نان خشکیده فرو برده در آب.

بر پایه‌ی آمار جهانی، بخش کشاورزی حدود ۶۰، صنعت ۲۰ و خانگی نزدیک به ۱۰ درصد از کل حجم آب مصرفی جهان را به خود اختصاص می‌دهد. ظرف نیم قرن گذشته میانگین جهانی برداشت آب از منابع به منظور آبیاری زمین‌ها بیش از ۶۰ درصد افزایش نشان می‌دهد. در بخش‌ها و پهنه‌های گونه‌گون جغرافیایی با میزان توسعه‌یافتگی متفاوت، مصرف آب یکسان نیست. کمتر از ۱ درصد از کل آب‌های کره‌ی زمین به عنوان آب شیرین و آشامیدنی در دسترس بشر است و پراکنش مصرف همین اندک سهم آب شیرین در جهان نیز، ناهماهنگی‌های شدید را گواهی می‌دهد.

افزایش روزافزون شمار انسان بر این کره‌ی خاکی، توسعه‌ی صنایع، آلودگی و مدیریت نادرست منابع، جنگ‌ها و دشمنی‌های منطقه‌ای، ملی و جهانی، سبب گردیده نابرابری در دسترسی به این موهبت طبیعی و ضرورت حیات بشری بر سر انسان امروزی سایه افکند. این خود، مایه‌ی پیدایش بحران‌های جدی انسانی شده و مهاجرت‌های درون و میان سرزمینی را دامن زده است.

آب از زمان‌های بسیار دور به عنوان نماد زندگی، سرزندگی، پالایش و پاکی در جوامع و ادیان گوناگون من جمله دین مبین اسلام، جلوه‌ی ویژه‌ای داشته است. در کشورمان ظرف چند دهه‌ی گذشته، کمبود آب از جمله جدی‌ترین موانع حیات این سرزمین مطرح شده و پیش‌بینی می‌شود در سال‌های پیش رو، به عنوان بنیادی‌ترین چالش در راه توسعه‌ی اقتصادی کشور، قد علم کند.

خطه‌ی سیستان که از دیرباز، مهد فرهنگ و نماد زندگی در این آب و خاک به شمار رفته، اکنون به شدت گرفتار بحران خشکسالی می‌باشد. نوسانات شدیدی که در سرچشمه‌ی حیات منطقه- هیرمند- و با خاستگاه طبیعی و انسانی رخ داده، پیامدهای منفی عمیقی در منطقه بر جای نهاده است.

کتابی که پیش روی خوانندگان فرهیخته قرار دارد، نامه‌ی دل‌نشان از خامه‌ی پُرتوان، حاصل اندیشه‌ورزی و نگاه تیزبین برادر دلسوز و دانشمند، جناب آقای دکتر ناصر زورقی است که به سرگذشت هیرمند و اثر آن بر سرنوشت توسعه‌ی سیستان می‌پردازد. وی از رهگذر سال‌ها دانش‌اندوزی، پژوهش و عشقی که به سرزمین مادری خویش دارد، چراغ برگرفته و به سهم خود، نوری بر مسیر پُر پیچ‌وخم توسعه‌ی کشور عزیزمان تابانده است.

نشر پرریان اندیش با عنایت به حساسیت موضوع و ضرورت توجه بیش‌ازپیش به چالش‌های روند توسعه‌ی ایران، انتشار این اثر را در دستور کار قرار داد که اینک به همت والای نویسنده‌ی محترم و جمع همکاران این مجموعه‌ی فرهنگی، پیش چشم علاقه‌مندان قرار می‌گیرد؛ امید که بستر جست‌وجو، گفت‌وگو، یافت و کاربست راهکارهای نجات‌بخش حیات آن دیار را هموارتر سازد.

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار
شرط انصاف نباشد که تو فرمان‌نبری

دکتر سپهر انصاری

مدیر نشر پرریان اندیش



درباره ی مؤلف:

دکتر ناصر زورقی (شهرکی) فرزند شادروان ولیدادزورقی، متولد سال ۱۳۴۲ بخش شهرکی و نارویی زابل، تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه ی خود را به ترتیب در روستاهای پلگی علیا، جزینک و شهر زابل سپری کرد. سپس با ورود به مرکز تربیت معلم شهید مطهری زاهدان و فراغت از تحصیل، در سال ۱۳۶۳ به استخدام آموزش و پرورش منطقه ی بمپور درآمد.

هر کسی زندگی تحصیلی و شغلی مخصوص خود دارد و نکته ی منحصر به فرد در زمینه ی تحصیلات دانشگاهی ایشان، تنوع و تعدد مدارک و تجارب تحصیلی در مقاطع و رشته های مختلف، اعم از علوم ریاضی و تجربی، ادبیات فارسی، جغرافیا، علوم تربیتی، مدیریت آموزشی و فلسفه، همه با رتبه ی اول یا ممتاز بوده است!

چنانکه تجربه ی تحصیل و اخذ مدرک در دو رشته ی دوره ی فوق دیپلم، سه رشته در دوره ی لیسانس، دو رشته در دوره ی فوق لیسانس و تجربه ی تحصیل و اخذ مدرک دکتری به ترتیب در دو رشته ی پداگوژی (خارج از کشور) و فلسفه ی تعلیم و تربیت با احراز رتبه ی ۳ کنکور سراسری این مقطع و معدل فارغ التحصیلی ۱۸/۲۰ (در ایران- تهران)، موید همین ویژگی انحصاری است که خداوند ذوالجلال والاکرام، بر اساس اراده و کرمش به هریک از بندگان عطا فرموده اند.

دبیری مدارس و مدرسی دانشگاه، ریاست آموزش و پرورش بمپور (فנוچ، لشار)، چابهار، ناحیه ی یک زاهدان و معاونت آموزش متوسطه ی اداره کل آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان، خلاصه ی تجارب شغلی وی و تألیف چند کتاب دیگر، پژوهش های دارای رتبه ی برتر استانی و کشوری به همراه مقالات متعدد چاپ شده در مجلات و ژورنال های داخلی و خارجی به زبان های فارسی و انگلیسی، بخشی از تجارب شغلی و فعالیت های علمی وی بوده است.

رساله ی دکترای ایشان در مورد چگونگی تفکر فلسفی تیزهوشان، در یک رقابت علمی- پژوهشی کشوری در سال ۹۵ رتبه ی اول کشور را به خود اختصاص داد. همچنین از افتخارات شغلی ایشان، مالکیت معنوی طرح ملی خیران اندیشه ساز است که در اجلاس خرداد ۹۶ مشهد مقدس، با موضوع تعیین برترین طرح مدیریت جهادی در بین تمام وزارتخانه ها، وزارت آموزش و پرورش با طرح ایشان، رتبه ی اول کشور گردید...



چرا به تألیف این کتاب پرداختم؟

براساس گزارش تازه ی دانشگاه هاپکینز، در سال ۲۰۲۵، یک سوم مردم جهان، در کشوری زندگی خواهند کرد که آن کشور با معضل کمبود آب مواجه خواهد بود و این، درحالیست که اکنون ۳۱ کشور جهان با این پدیده ی نگران کننده روبه رو می باشند. ولی تا سال ۲۰۲۵، هفده کشور دیگر از جمله هند با آن جمعیت انبوه، به آنها خواهند پیوست.^۱ مساله ی کمبود آب و تشدید تدریجی آن در اثر افزایش مصرف، باعث شده که توجه خاصی در روابط سیاسی- اجتماعی ملل به آب و مسائل مرتبط با آن معطوف شود. همان چیزی که امروزه در قالب واژه ی نوظهور "ژئوپلیتیک" تجلی یافته است.

این تأثیرگذاری البته، تیغی دو دم است و هم جنبه های مثبت و هم منفی را در بر می گیرد. زیرا هم می تواند منشا همکاری، دوستی و همیاری بین کشورها شود؛ مثل نظام های حقوقی حاکم بر رود دانوب و دریای سیاه و هم ظرفیت آشوب و نزاع بین ملل همسایه مانند خاورمیانه را فزونی بخشد.

به اعتقاد «پیتر هاگت» جغرافی دان انگلیسی، از دوازده عامل جغرافیایی موجب تنش و مشاجره میان کشورهای همسایه، شش عامل، مربوط به آب و منافع ناشی از آن است. این عوامل عبارت اند از: تمایل عبورکشور محصور در خشکی، برای دسترسی به آب های آزاد از کشور همسایه، اختلاف بر سر تقسیم خط آب، تغییر مسیر رودخانه های مرزی، اختلاف بر سر بهره برداری از منابع دریاچه های مشترک، ربودن آب در قسمت علیای رود و باروری مصنوعی ابرها.^۲

۱- انورزی، محمد عمر، آب سرچشمه ی حیات، ترجمه ی غلام خواجه ی جیلانی، کابل، چاپ شبل. اداره کتابخانه های سیار ص ۱۱

۲- پیتر، هاگت، جغرافیای ترکیبی نو، ترجمه ی شاپور گودرزی نژاد، جلد دوم، تهران، ۱۳۷۹ انتشارات سمت، ص ۳۷۲



صحبت از خاور میانه شد. اخیراً «کایتلین ورل و فرانچسکو فمیا» مجموعه مقالاتی گردآوری کرده اند که مضمون مشترک همه ی آن ها، نقش تغییرات اقلیمی به ویژه خشک سالی، در ظهور جنبش تحول خواهی اعراب خاورمیانه، موسوم به «بهار عربی» است. «سیمون لوینو» و همکارانش سیاست را در جهان آینده، عرصه منازعات ناشی از تغییرات اقلیمی دانسته اند؛ و بالاخره، «فیلیپ هینریگس»، توازی خشکسالی و خشونت گرایی را برای همه جهان عبرت آموز تعریف کرده است.

این در حالی است که بررسی های آژانس فضایی آمریکا که گزارش آن در اوایل تابستان ۱۳۹۲، منتشرشد، صرف نظر از احتمال اهداف سیاسی و سیاه نمایی در آن، وضعیت آب در کشورهای خاورمیانه را در ۳۰ سال آینده وخیم پیش بینی کرده و آب را بزرگترین چالش دولت های خاورمیانه دانسته است.

در این گزارش تصریح شده که به دلیل شرایط لایه ی اوزون و همچنین انحراف زمین به میزان یک میلیونیم درصد از مسیر چرخشی خود به دور خورشید، ۴۵ کشور جهان دچار خشکسالی شدید و در صورت عدم ذخیره ی منابع آب، در عرصه تولید محصولات زراعتی و دامی خود دچار بحران خواهند شد؛ اما نکته ی قابل توجه گزارش این است که ایران در فهرست ۴۵ کشور در معرض خطر، در رتبه چهارم قرار گرفته است.^۱

چنین هشدارهای علمی- بین المللی، اگر نه مایوس کننده، دست کم، نگران کننده است و رسالتی همگانی برزده ی هر ایرانی می گذارد تا در پیشگیری از گرفتاری های احتمالی آینده، هرکس در حد توان خود، قدمی یا قلمی بردارد.

کودکان، ممکن است شوخی شوخی، به پرندگان سنگ بزنند ولی گنجشک ها، جدی جدی می میرند!

۱- فهیم، نجیب آقا. آب صلح و امنیت برای همه، انتشارات نشاط گرافیک، کابل ۱۳۹۵ ص ۱۱



جهان امروز دنیای جنگ و سنگ کودکان نیست؛ بلکه تلاشی خردمندانه برای زندگی شرافتمندانه است.

گنجشکی در لانه ی آتش گرفته اش می سوخت! دوستش با منقار کوچکش بر شراره ی خوفناک آتش، هر بار قطره ای آب می پاشید. گنجشک را گفتند برلهیب این آتش، قطره ی قلیل آب، چه تأثیری دارد؟ گفت: اینکه فردا اگر بپرسند دوستت در آتش می سوخت؛ تو چه کردی؟ بگویم هر چه در توانم بود!

فلسفه ی تألیف این کتاب همین است! اما رسالت ما وقتی بیشتر شد که دیدیم نه فقط افراد معمولی، بلکه بعضی از خواص سیستانی هم، از تاریخ و اولویت های زادگاهشان، غافل یا کم اطلاعند و مثال با ارزش، آن مسئول دانشوری است که درباره ی مصیبت هیرمند گفته است:

«فقط قبل از انقلاب در سال ۱۳۵۰ (!!!) که خشکسالی شد، قرارداد نیم بندی (!!!) بسته شد که بر پایه ی آن، ۷۲۰ میلیون متر مکعب (!!!!!) حقا به برای ایران تعیین شد که "تنها قرارداد" (!!!) منعقد شده در طول تاریخ قبل و بعد انقلاب است»^۱

این درحالی است که خواهیم دید؛ بر همین اظهار نظر کوتاه، حداقل چهار اشتباه فاحش وارد است! چنان که اولاً انعقاد قرارداد مورد نظر ایشان نه در سال ۱۳۵۰ بلکه در سال ۵۱ بوده است؛ ثانیاً قرارداد رسمی را نباید نیم بند معرفی کرد؛ زیرا به این ترتیب، طرف مقابل را برای اجرا نکردن مفاد به قول خودمان "نیم بند"، ناخواسته، مجاز و مُحَق خواهیم دانست؛ ثالثاً چنانکه در ادامه خواهیم دید، میزان حقا به ی توافق شده در قرارداد مهم مذکور، بسیار بیشتر از فرمایش ایشان است و رابعاً قرارداد یاد شده، چنان که باز هم خواهیم دید، "تنها قرارداد" بین دو کشور نبوده است!



مؤلف اگرچه مختصر آموخته های دانشگاهی در رشته ی جغرافیا نیز دارد، اما تخصص اصلیش تعلیم و تربیت و آموزش زبان فارسی است. از این رو، علیرغم دقت و وسواس فراوان، امکان عدول از اصول متداول در تاریخ نگاری و پژوهش تخصصی در حوزه ی آبیاری و هیدرولوژی توسط مؤلف، دور از ذهن نخواهد بود.

بنابراین، از فرهیختگان دانشوری که این کتاب را مطالعه خواهند فرمود؛ رجای واثق و سپاس لاحق دارد ضمن بخشایش، باقبول زحمت؛ کاستی های احتمالی کتاب، اعم از تخصصی، اسنادی یا اسنادی را به طریقی که صلاح بدانند منعکس نمایند تا در تجدید نظرهای بعدی، مورد توجه قرار گیرد.

در خاتمه لازم می دانم به حکم وجدان و اخلاق، از همکاری عزیزانی که در دانشگاه ها، جهاد کشاورزی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، مهندسان صاحب نظر در آب منطقه ای، سازمان عمران، مرکز اسناد نخست وزیری، مرکز پژوهش های مجلس، سفارت ایران در افغانستان، کنسولگری افغانستان در زاهدان، کتابخانه های ی دانشگاه سیستان و بلوچستان و کامبوزیا و مخصوصاً همسرم حاجیه خانم زهره شهرکی و آقایان زهیر زورقی، مسعود میری، عبدالعلی رهدار، حبیب کیانی و مسعود نجار برقی که در تدوین این کتاب به صور مختلف زحمتی متحمل شده اند و نیز، مدیر و همکارانشان در انتشارات وزین پرینان اندیش - بخصوص آقای دکتر انصاری و سرکار خانم گلزار که صرفاً به انگیزه ی حب الوطنی، با چاپ و نشر این اثر، ایثارگرانه نقش فریادرسانی مردم سیستان را به افکار عمومی پذیرا شدند - صمیمانه سپاسگزاری نمایم.

چکیده^۱

سیستان، سرزمین رستم دستان، خاستگاه سلحشورانِ پیلتن و سترگ مردانِ شیر افکن، دارای ویژگی‌هایی است که کمتر ایران شناسی با نام آن بیگانه است. سیستان، نزد ایرانیانی که از شهامت و فره‌وشی بهره‌ای دارند، نیک شناخته شده است. زیرا زابلستان زادگاه و خاستگاه شیرمردی چون «رستم زال» است. رستمی که سرزمین پاک ایران را، زیر پای اُشترسوارانِ توران برنتافت. پس به تیزگامی و پهنه‌نوردیِ باد، خود را از سیستان به مازندران رساند و آن دیوِ سیاه روی را -که به خاک ایران زمین، طمع ورزیده بود - به طلسم دماوند کشید!

سیستان نزد ایرانیانی که به جوانمردی و رادی، شناخته‌ی همگانند نیز ناشناس نیست. زیرا خاستگاه عیار مرد سیستانی «یعقوب لیث» است. همو که تازیان آل طاهر را، از سرزمین پاک میهن تاراند و جوانمردی و رویگری را با فرمانروایی، چنان در آمیخت که تا دنیا دنیاست؛ نام سیستان به پندار [پایتخت ایران] و نام یعقوب، به کردارِ فرماندهی جوانمرد و بس ساده‌زی، بر تارک آن می‌درخشد.

اما با این حال، گاه، اندیشه یا پدیده‌ی چون روز روشنی، از بسیاری درخشش، ناشناس می‌ماند و سیستان، با آن دیرپایگی که با دیرینگیِ شام و مصر و یونان، شانه‌سایی می‌کند؛ با نشانگانِ فرهیختگی و فرزاندگی که کهن‌گیش به پیش از تاریخ برمی‌گردد؛ با سابقه‌ی درخشانی که به اسم "انبار گندم آسیا" شناساست؛ با چشم اندازشگفت‌آوری که در سر

۱- چکیده‌ی این نوشتار را، در پاسداشت یعقوب لیث پادشاه سیستانی ایران که زبان پارسی را "او" زبان رسمی کشورکرد، با نوعی شیرین کاری ابتکاری، به زبان پارسیِ سره، بی‌هیچ بهره‌بری از واژگان عربی نگاشتم. این کاراگرچه تمرینی سخت بود، ولی به اندازه‌ی توان، برای اولین بار، روندی را تمرین و آزمون کردم که پامردان پارسی خواه، در کنار دلدادگی به زبان قرآن، از امکان نگارش نغز و پر مغز به زبان نیاکان خود، بدون کاربرد واژه‌های تازی، مطمئن به آن امیدوار و بر ادامه‌ی آن دست به کار گردند (مؤلف)

راه بازرگانی آسیای میانه و اروپا با هند داشته و همچنان دارد؛ با مهرورزی خاص ساکنانش به پیغامبر اسلام و فرزندان پاک آیینش و نیز فراوانی نیروی انسانی فرهمندش، از ولایات سرآمد ایران است و سرانجام، با شمار بسیار بالای فداکارانِ اهوراخواهش (شهیدانش) که برای نگاهداری از مرزهای وطن، به کشور هدیه کرده است؛ چنین ویژگی ممتازی دارد. سیستان به خاطر فزونی درخشندگی، چون خورشید، چنان نا شناس مانده است که گاه با جفاکاری و سُبک پنداری، در نوشتار ایل جفا، به ناداری فرهنگی و... پدیدار می گردد. این منطقه بانگاه تاریخی، در کوران کشمکشهای فراوان پرورش یافته است. اما به آسانی و پهلوانی، سمند چابکسردرها را، به کمند سنگین پای حوصله و سپاس، اسیر و فرمانپذیر کرده است!

هامون، دل سیستان و هیرمند، شاهرگ بود و با شش، تاکنون صدها بار خشکیده اند. خاک سیستان بارها از آتش سوزانِ هامون خاکستر شده است؛ اما باز مانند ققنوسی که خاکسترش جان می گیرد و ققنوس دیگری می آفریند، هر بار جان گرفته و سیستان، همچنان سرافراز و پایدار مانده است.

این نوشتار که دارای ویژگیهای فردی چه از نگاه ژرف کاوی در اسناد درست و اسناد راست، و چه، چیستی آنچه در متن آن است؛ آمار نامه ی گزارشگونی است که به خاستگاه و بازخورد خشکسالی بی بدیل سیستان، در یکصد سال گذشته و به ویژه دو دهه ی اخیر می پردازد.

گذر کوتاهی به تاریخ سیستان - فقط برای آشنایی خواننده با بستری که این پدیده ی تلخ در آنجا رخ داده است - داشته ایم؛ ویژگی های آبدهی؛ گرفتاری های آبیاری، معمای بزرگ رسوب هیرمند و تاریخچه ی پیمان نامه های ایران و افغانستان بر سر این رود را، روراست - و البته با رنج زیاد - پیدا و بررسی کرده ایم؛ نه برای اینکه تاریخ بنگاریم یا



جغرافی و زمین‌شناسی آموزش دهیم؛ بلکه برای بازنمایی این نکته که «تاریخ سیستان را باید در جغرافیای آن وبه ویژه جغرافیای زمین کاوی هیرمند و تغییر مجراهای فراوانش جستجو کرد»؛ با نگاهی تامل‌آمیز شدن، همراه با وفاداری به راست‌واری و راست‌نگاری؛ تا در حد توان، شاید چشم انداز آینده‌ی سیستان را الگونگاری کنیم.

همچنین تلاش کرده ایم با نگرشی تاریخی، این اندیشه را پرورانیم که: "هرچه در گذشته، درپیدایش یا ناپیدایی تمدن‌های سیستان، کارگر شده است، به گمان، در آینده نیز چنین نقشی را بازی خواهد کرد".

فصلی هم، به هامون، زیست‌شناسی و ویژگی‌های زیست‌محیطی آن، پیش از ویران شدنش با خشکسالی می‌پردازد و با نگاهی حسرت‌آمیز، به گذشته‌ی درخشان آن از نگاه بود و باش گونه‌های مختلف گیاهی و زندگی دام و دود و الگوی گذران مردم ساکن در کناره‌های آن می‌پردازد و بازخورد دهشتناک ناشی از خشکسالی بی‌مانند اخیر را بازتاب می‌دهد.

این نبشتار، هشدار دهنده و بیدارگراست. از این رو ممکن است برخی هم، برگردآور آن برآشوبند که چرا خواب سنگین شان را آشفته کرده است! ولی همان نیکتر که برنیاشوبند زیرا گفته‌اند: آینه گر نقش تو بنمود راست، خودشکن آینه شکستن خطاست.

در پایان هم البته، به خواننده امید می‌دهد که سیستان، نابودشدنی نیست! ولی به هر روی، گذشته را باید چراغ راه آینده قرار داد. به ویژه این که بسیاری از کشورداران و اقلیم‌شناسان، بحران قرن بیست و یکم را "بحران آب" نامیده‌اند.

فصل اول ...



مختصری از تاریخ و ویژگی های سیستان

سیستان قدیم، بی تردید وسیع تر از سیستان امروز بوده و محدوده ی وسیعی شامل شهرستانهای زابل، زهک، هیرمند، هامون و نیمروز فعلی، و ولایات زابل، هلمند، نیمروز وهرات افغانستان، بندان و نهپندان از خراسان جنوبی و بخش هایی از شمال غربی پاکستان، همه در حیطه ی حکومت سیستان بوده اند. به طوری که در کلامی موجَز و مختصر، از ترکیبِ مجموعه ی پژوهش های اسنادی، درمورد حدود و ثغور سیستانِ قدیم، عبارتِ موزونِ «خراسان تا سند؛ و کرمان تا هند» به دست می آید.^۱



سیستان قدیم. «خراسان تا سند؛ و کرمان تا هند» یادش به نکویی به خیر باد!



ایالت سیستان، یکی از ایالت های مهم دوره ی هخامنشی و حداقل تا دوره ی اشکانیان - به شرحی که خواهد آمد - دارای حکومتی نیمه مستقل بود. حتی برخی منابع، پا را از این فراتر نهاده اند و غیر از عهد یعقوب لیث که پادشاه مطلق العنان ایران بود، در جای جای متون تاریخی، از حاکم سیستان به نام «پادشاه سیستان» یاد کرده اند.^۱

هرودوت در تواریخ می نویسد:

«در اوایل قرن هفتم قبل از میلاد، سکاها از جبل قفقاز عبور کردند و در آذربایجان و شمال ایران به تاخت و تاز و تاراج مشغول شدند. در واقع آمدن سکاها به آسیای غربی، دنباله ی همان نهضت آریایی بوده که از قرون پیش شروع شده بود و آریاییان به معنای اعم، گروه گروه به «نجد ایران» - آسیای غربی - وارد می شدند.»^۲

مورخان معتقدند که گروهی از همین آریایی ها پس از انقراض دولت هخامنشی، در حدود سال (۱۳۰ قبل از میلاد) و در اوایل دوره ی اشکانیان وارد سیستان شدند و تا سند و پنجاب راتحت سیطره ی خود قرار دادند. آنها نام خود را بر این سرزمین نهادند و این گونه بود که «سکستان = سرزمین سکاها» وارد جغرافیای سیاسی این منطقه ی بسیار وسیع شد.

واژه ی سکا نیز در طول تاریخ مشمول تغییرات «در زمانی» گردید و به ترتیب، به صورت سِکه، و سِگه درآمد.

اعراب مهاجم که در الفبای خود «گاف» نداشتند؛ سکستان (= سرزمین سگه ها) را «سجستان» و مرکز آن - شهر زرنگ را - «زرنج» نامیدند. سکستان نیز در تغییرات «در

۱- مشکور، محمد جواد. جغرافیای تاریخی ایران باستان، ص ۶۵۰

۲- هرودوت، تواریخ، ترجمه وحید مازندرانی، دنیای کتاب، صص ۶۱-۶۲